



یادداشت

ایران را انقلاب دیگری باید!

صادق کار



در چهل و سومین سالگرد انقلاب بهمن، انقلابی که علیه رژیم دیکتاتوری سلطنتی و با خواستهایی چون آزادی، دموکراسی استقلال و عدالت اجتماعی و برابری شروع شد موجی از اعتصاب و اعتراض به استبداد، فقر و بی عدالتی و نابرابری و تبعیضات مختلف سراسر کشور را در بر گرفته است.

نه تنها پس از گذشت ۴۳ سال هیچکدام از مطالبات اصلی مردم به استثنای بر کناری رژیم شاه برآورده نشده‌اند، بلکه کشور و مرد به قهقرا رفته‌اند و بحرانها و معضلات دیگری نیز بر معضلات پیشین افزوده شده‌اند. سقوط سطح زندگی قریب ۶۰ میلیون نفر از جمعیت کشور به زیر خط فقر و فقر مطلق، کاهش شدید درآمد سرانه ملی، افزایش شدید فاصله طبقاتی و ضریب جینی نسبت به سال ۵۷ و افزوده شدن دهها معضل دیگر بر معضلات پیشین به تنهایی گویای بدتر شدن وضعیت مردم هستند. بی آبی و فجایع زیست محیطی و نظیر این ها را نیز اگر در نظر بگیریم ابعاد قضایا روشن تر می شود. گسترده‌گی و رشد فزاینده اعتراضات مردم به روشنی بیزاری آنان از حکومت و وضع موجود را بازتاب می دهند.

حکومت که قادر به اداره درست کشور و تامین خواسته ها و نیازهای مردم نیست با نیرنگ و سرکوب و انداختن تقصیر ناتوانی خود به گردن دشمنان خارجی تلاش می کند خود را سرپا نگهدارد. می گویند آب که سربالایی برود، قورباغه هم ابو عطا می خواند. این ضرب المثل مصداق رفتار سلطنت طلبها در این ایام است.

در اوج اعتراضات مردمی طرفداران رژیم سلطنتی که گویی از رادیکالیزه شدن جنبش توده‌ای در کشور نگران هستند و مانند سران رژیم با شعارهای عدالتخواهانه مردم میانه خوبی ندارند تلاش می کنند جهت مبارزه را از سوی رژیم به سوی نیروهای چپ که پشتیبان اصلی جنبش توده‌ای عدالتخواه هستند منحرف کنند آنان با استفاده از نارضایتی مردم تلاش می کنند نقش خودشان در زمینه سازی برای انقلاب ۵۷ را وارونه کنند و از این فرصت برای کوبیدن نیروهای چپ که گویا باعث و بانی انقلاب و وضعیت امروز بوده‌اند سوء استفاده کنند.

در اینکه وضعیت مردم در زمان قبل از انقلاب در برخی زمینه ها بهتر از امروز بود تردید نیست، اما نه آنقدر بهتر که سلطنت طلبان مدافع رژیم دیکتاتوری سلطنتی ادعا می کنند. اگر آنطور که این جماعت سر به زیر برف کرده ادعا می کنند همه چیز در رژیم گذشته گل و بلبل بوده است، مگر مردم زیر دلباش زده بود که انقلاب کنند؟

برای دانستن علت انقلاب کافی است که اینها بروند و مصاحبه های حبیب لاجوردی با وزرا و مسئولین درجه اول رژیم شاه را که تحت عنوان تاریخ شفاهی منتشر شده بشنوند تا شاید اسباب و علل انقلاب ۵۷ را درک کنند. لاجوردی یک روشنفکر و محقق چپ نیست. او از خانواده‌ای ثروتمند است با دیدگاه سرمایه داری لیبرال. و ضد چپ که ضدیت با چپ در مصاحبه های او موج می زند. یا بروند مصاحبه رئیس گارد جاویدان در باره رفتار تحقیر آمیز ژنرال هایزر را که دستور رفتن شاه را داد گوش کنند تا بدانند، نه آمدن و رفتن شاه دست خودش بود و نه انقلاب ایران کار کارتر و هایزر بود. انقلاب ایران کار هیچکس به غیر از مردم نبود و زمینه انقلاب را کسی جز خود شاه مهیا نکرده بود. هیچ انقلابی را هیچ کس در هیچ کجای دنیا تا شرایط اش توسط نظام حاکم فراهم نشده باشد تا کنون نه توانسته و نه از این به بعد می تواند رقم بزند. انقلاب خودش هر جا که شرایط



اش مهیا باشد خواهد آمد. انقلابها می توانند شکست بخورند و به اهداف شان نرسند و یا رهبران شان اهدافی برای آنان تعریف کنند که در ظرفیت انقلاب و زمانه نباشد و یا اهدافی تحجرگرانه باشند. درست مانند اهداف ارتجاعی که جریان خمینی پس از به چنگ آوردن رهبری انقلاب بجای اهداف اولیه انقلاب ۵۷ برایش تعریف کرد و کشور را از لحاظ بسیاری به عقب برگرداند.

انقلاب بهمن بر خلاف انقلاب بورژوا دمکراتیک مشروطه که محصول رشد نیروهای مولده و اجتناب ناپذیر بود، قابل اجتناب بود زیرا رژیم بورژوازی در زمان شاه مستقر و در حال انکشاف بود و تضاد عمده بعد از اصلاحات ارزی نه میان بورژوازی و فئودالیسم یا بقولی سیستم ارباب و رعیتی، بلکه میان دیکتاتوری و دمکراسی و آزادی بود.

انقلاب بورژوا دمکراتیک مشروطه در اثر سلطه دیکتاتوری رضا شاهی اگر چه راه رشد سرمایه داری را گشود، ولی مانند انقلاب بهمن به اهداف دمکراتیک اش نرسید. انقلاب مشروطه سلسله پادشاهی فاسد قاجار را بر انداخت ولی نتوانست رژیم بورژوا دمکراتیک را مستقر کند. اشغال ایران توسط متفقین از نتایج شکست انقلاب مشروطیت و رژیم ضد انقلابی و دیکتاتوری رضا شاه بود. شکست انقلاب مشروطه و استقرار رژیم دیکتاتوری اما نه توانست از ادامه مبارزات آزادیخواهانه مردم برای همیشه جلوگیری کند و نه توانست مانع از جنبش ملی کردن نفت که کمتر از یک انقلاب نبود و انقلاب بهمن شود. هیچ یک از این انقلابها نه از طرف کسی قبل از وقوع سازماندهی شد و نه قابل سازماندهی بود. هر دوی انقلابها زمینه عینی و مادی داشتند. در سالهای پایانی حکومت شاه وضع گرانی و تورم و اقتصاد چنانکه سلطنت طلبان سعی می کنند به مردم حقنه کنند، چندان بهتر از امروز نبود. با اینکه جمعیت کشور حدود یک سوم جمعیت کنونی بود اطراف شهرهای بزرگ پر از آلودگی و آلودگی ناشین بود. در مناطقی در تهران چون افسریه و خاک سفید و جاده ساوه مرتب درگیری بود میان آلودگی ناشین ها و ماموران شهرداری و ژاندرمری. وضع مردم و خانه ها در محلات جنوب شهر نیز چندان بهتر از امروز نبود. هنوز همه مردم در تهران که پایتخت بود آب و برق نداشتند. حتا نیمی از خانه ها حمام و آشپزخانه گاز و تلفن نداشتند. دستمزدها البته تنها اندکی پس از آمدن سیل دلارهای نفتی بهتر از امروز بود ولی به سختی نیازهای اولیه اکثر مردم را می داد. خیابانها پر بود از دست فروش و دوره گرد. از حزب و سندیکا و روزنامه آزاد هم خبری نبود و پاسبان ها و ژاندارها بدون تیغ زدن مداوم کسبه و مردم نمی توانستند زندگی شان را بچرخانند. فساد و رشوه و اختلاس هم فراوان بود. بساط ساواک و زندان و شکنجه هم که پهن بود. اینها کدام شان مایه افتخار و مباهات است؟

سلطنت طلبان شاید بتوانند عده ای از مردم را با وارونه نشان دادن حقایق و دلایل انقلاب برای مدتی بفریبند و تقصیر انقلاب را به گردن چپ ها بیندازند و آنان را در رسانه های خود و حامیان رژیم سلطنتی مورد حمله قرار دهند، اما نمی توانند انقلاب مشروطه و نقش رضا شاه در شکست اهداف آن انقلاب را به چپ ها یا کارتر و هایزر نسبت دهند. تا زمانی که بساط ظلم و ستمگری و بی عدالتی در کشور وجود داشته باشد وقوع انقلاب نیز امری اجتناب ناپذیر خواهد بود. اینکه رژیم شاه در میدان ژاله کمتر از رژیم قاجاری در خیزش های دی و آبان و بقیه حرکت های اجتماعی کشت و به زندان افکند ماهیت دیکتاتوری بودن رژیم شاه را نفی نمی کند. نیروهای چپ بواسطه مخالفت شان با بی عدالتی، دیکتاتوری و استبداد، تبعیض و نابرابری و نوگرایی اندیشه های شان همواره زیر تیغ مستبدین حاکم در رژیم های رضا شاه، محمد رضا شاه و خمینی قرار داشته و بیشترین فشار و تلفات را به خاطر اندیشه های انسان گرایانه و مترقی شان بر آنان وارد کرده اند. بهمین خاطر چپ ها همواره در فراز های تاریخی مبارزاتی مردم نقش مهمی داشته و خواهند داشت و اکثرا به آن افتخار می کنند.

با وجود شکست دو انقلاب و چند جنبش خرد و کلان باز هم باید در انتظار انقلاب دیگری بود که بالاخره به موقع خودش از راه خواهد رسید. انقلابی که شکلش ممکن است با انقلابات پیشین تفاوت داشته باشد ولی مطالبات اش همان مطالبات متحقق نشده و به روز شده انقلابات پیشین است. با برانت جستن از انقلاب هم نمی شود جلوی انقلاب را گرفت. رژیم قاجاری شرایط و زمینه یک انقلاب دیگر را فراهم می کند، همچنان که رژیم شاه نا خواسته زمینه وقوع انقلاب بهمن را مهیا کرد و شاهان قاجار زمینه انقلاب مشروطه را مهیا کردند.

تنها آن کسانی می توانند با انقلاب مخالف باشند که خواهان رژیم های دیکتاتوری باشند. رژیم قاجاری نیز مانند رژیم های پیشین نه حاضر است از قدرت دست بکشد و اسباب انتقال قدرت به مردم را فراهم کند و نه تن به اصلاح خود خواهد داد و اگر هم به آن تن در دهد در واقع مانند شاه که سرانجام صدای انقلاب مردم را شنید، ناگزیر به انقلاب تن در خواهد داد.

تهدیدات فربیکارانه و فرافکنانه سلطنت طلبان نا آموخته از روزگار علیه چپ ها راه آنان برای بازگشت به قدرت را هموار نخواهد کرد. دوران رژیم های موروئی دیر زمانی است به سر آمده است و خوب است سلطنت طلبانی که هنوز در توهم احیای رژیم دیکتاتوری شاه و سرکوب و کشتار چپ ها بسر می برند از این توهم به در آیند و دست از اعمالی که در خدمت رژیم قرار می گیرد بردارند. اگر انقلاب از نظر سلطنت طلبان علیه استبداد مذهبی به حق و راه خلاصی از شر رژیم قاجاری است، این یک حق عمومی برای مردم علیه همه رژیم های دیکتاتوری از جمله رژیم دیکتاتوری شاه هم بوده است. نمی شود مردم را به سرنگونی رژیم قاجاری تشویق کرد، ولی آنان را بخاطر این کار علیه رژیم سلطنتی آماج کین و دشمنی قرار داد. و نمی شود ادعای طرفداری از حقوق بشر نمود و رژیم شاه را از آن مستثنی کرد.

ایران را انقلاب دیگری باید

از اعتراض و مطالبات معلمان و فرهنگیان حمایت کنیم!

اعتصاب و تشکل جزء حقوق بدیهی کارگران و مزد و حقوق بگیران است!



کار بی ثبات: قاعده یا استثنا در سرمایه داری؟ بخش هفتم

الویسا بتی



تاریخ نگری به یک مباحثه امروزی، یک منظر جنسیتی جهانی

را پذیرفته اند، با زیر سؤال بردن "الگوی (Intersectionality) فمینیست ها و محققانی که مقوله های جنسیت و همپوشاندگی استخدامی استاندارد" به عنوان یک رابطه شغلی عادی حتی در کشورهای غربی در دوران به اصطلاح طلایی قرن بیستم، به شکستن این برداشت که کار بی ثبات پدیده ای استثنائی مختص به حال حاضر است، کمک شایانی کرده اند. این محققان آشکار کرده اند که در دوره ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۵ "الگوی استخدام استاندارد" به عنوان قاعده برای کار تبدیل شد، در حالی که هرگز کل نیروی کار را در غرب دربر نمی گرفت. زنان و مهاجران، به ویژه، اما همچنین گروه های خاصی از کارگران مثل کارگران کشاورزی، بردگان و سایر کارگرانی که به نحوی مقید بودند، نیز هرگز به طور کامل در چنین مدلی ادغام نشدند

تردید در قاعده، ساختار شکنی استثنا - ادامه

یک تحقیق تاریخ دیگری، که اخیراً انجام شده است، نشان دهنده وجود اشکال کاری در فازهای مختلف سرمایه داری است، که ما امروز آن اشکال را با برچسب "کار بی ثبات" مشخص می کنیم. این اشکال از منظر بلندمدت تاریخی نیز نافی استثنا بودن کار بی ثبات و رابطه انحصاری آن با پسافوردیسم و نئولیبرالیسم اند. از تحقیقات انجام یافته توسط سوفی بو (Sophie Beau) روی فروشگاه های بزرگ لیون و توسط آگوستو د بندتی (Augusto De Benedetti) در مورد تولید دستکش در ناپل نیز تداوم اشکال نسبتاً مشابهی از کار بی ثبات در فاصله قرن نوزدهم و اواسط قرن بیستم، علیرغم تغییرات عمیق در سازمان کار و تولید، به وضوح آشکار می شود. تحقیق مارک للوکس (Marc Leleux) نیز، که به اشکال کار بی ثبات در جریان توسعه صنعتی تجربه شده در شمال فرانسه، یعنی از اواسط



قرن ۱۹ تا اوایل قرن ۲۰ اختصاص دارد، مبتنی بر همین دیدگاه است. تحقیقات کریستین دی ویتو (Christian De Vito) پا را از کشورهای غربی و کار بی دستمزد فراتر گذاشته و کار بی ثبات را در کشورهای اسپانیایی آمریکا در اواخر دوران استعمار و پساستعمار بررسی و محرز کرده است. نگاه او متوجه میزان انعطاف پذیری و بی ثباتی تجربه شده توسط انواع مختلف کارگران غیر آزاد - از جمله کارگران محکوم به بیگاری و بردگان خانگی - بوده است.

فمینیست‌ها و محققانی که مقوله‌های جنسیت و همپوشاندگی (Intersectionality) را پذیرفته اند، با زیر سؤال بردن "الگوی استخدامی استاندارد" به عنوان یک رابطه شغلی عادی حتی در کشورهای غربی در دوران به اصطلاح طلایی قرن بیستم، به شکستن این برداشت که کار بی ثبات پدیده ای استثنائی مختص به حال حاضر است، کمک شایانی کرده اند. این محققان آشکار کرده اند که در دوره ۱۹۴۵ تا ۱۹۷۵ "الگوی استخدام استاندارد" به عنوان قاعده برای کار تبدیل شد، در حالی که هرگز کل نیروی کار را در غرب دربر نمی گرفت. زنان و مهاجران، به ویژه، اما همچنین گروه های خاصی از کارگران مثل کارگران کشاورزی، بردگان و سایر کارگرانی که به نحوی مقید بودند، نیز هرگز به طور کامل در چنین مدلی ادغام نشدند.

بیش از یک دهه پیش، آنجلا میتروپولوس (Angela Mitropoulos)، نظریه پرداز سیاسی، از دیدگاه فمینیستی و ناهمجنسگرایانه ای استدلال کرد که "تجربه اشتغال منظم، تمام وقت و دائمی که مبین بارزترین و مکررترین جنبه فوردیسم است، یک استثنا در تاریخ سرمایه داری است. این تجربه انبوهی از کار خانگی بدون دستمزد توسط زنان و استثمار بیش از حد در مستعمرات را نادیده می گیرد". به این ترتیب او با تأکید بر نقش کسانی، مثل زنان و کارگران در جنوب جهانی، که از استانداردهای فوردیسم بی بهره مانده اند، به شکستن تصویر مثبت از شرایط کار در دوران فوردیسم کمک می کند و به علاوه استثنایی بودن آن را آشکار می سازد. او یکی از اولین کسانی بود که ادعا کرد "کار بی ثبات قاعده سرمایه داری است" و "افزایش کار بی ثبات در سالهای اخیر در واقع کشف آن در میان کسانی است که انتظارش را نداشته اند".

در همین راستا، لیه وسکو (Leah Vosko)، اقتصاددان سیاسی فمینیست، نیز با بررسی کار بی ثبات در درازای تاریخ مناسبات جنسیتی در جریان تولید سرمایه داری، به این نتیجه رسیده است که کار بی ثبات به هیچ وجه نمی تواند به عنوان یک استثنا در نظر گرفته شود. تحقیق او روی صنعت امداد در کانادا نشان می دهد که ساختار "روابط استخدامی استاندارد" در عصر فوردیسم بسیار جنسیتی بود. این واقعیت، که به جداسازی زنان و راندن آنان به بخشهای حاشیه ای تمایل آشکاری داشت، خود را با درجات به مراتب بیشتری از ناپاطمینانی و بی ثباتی در کار زنان نشان می داد. بنابراین از دیدگاه فمینیستی "الگوی استخدام استاندارد" نابرابری های جنسیتی را تقویت کرد و مدل اشتغال "مرد نان آور" را همراه با موقعیت متزلزل زنان در کار مزدی بازتولید کرد. با این حال، افول "مناسبات استخدامی استاندارد" به کاهش نابرابریهای جنسیتی در بازار کار یا کاهش درجات حادثر بی ثباتی زنان کمکی نکرد. از نظر وسکو برای بازنگری در مناسبات شغلی جدید به یک مدل اقتصاد سیاسی فمینیستی نیاز است، و "بازگشت به مدل اشتغال استاندارد، که بسیار جنسیتی است، دیگر گزینه مناسبی نیست".

است.

از اعتراضات و مطالبات کارگران و مزد و حقوق بگیران حمایت کنیم!

**دستمزد و حقوق و سایر مطالبات کارگران و مزد و حقوق بگیران شاغل و بازنشسته
باید به موقع و منظم پرداخت شود!**

از فراخوان ۳۰ تشکل بازنشستگان برای اعتراض حمایت کنیم

صادق



در کشورهای که حقوق اتحادیه‌ای به رسمیت شناخته شده اتحادیه‌های محل کار و رشته‌ای حقوق بازنشستگان را نیز پیگیری می‌کنند. باز نشستگان اتحادیه خاص بازنشستگی ندارند ولی کلوپ برای خوش گذرانی و تفریحات مشترک دارند. به امید اینکه اعتراض سراسری بازنشستگان با حمایت سایر زحمت کشان مواجه شود و بازنشستگان بتوانند به خواسته‌هایشان برسند و بتوانند دوران بازنشستگی راحت‌تری را داشته باشند

۳۰ تشکل مستقل بازنشستگان با انتشار فراخوانی از بازنشستگان خواستند در اعتراض به رد لایحه همسان سازی حقوق‌ها توسط مجلس و امتناع دولت از دادن پاسخ مثبت به سایر خواسته‌های بازنشستگان و حقوق‌های زیر خط فقر روز یکشنبه ۲۴ بهمن به خیابان بیایند

اعلام رد لایحه همسان سازی در مجلس در هفته گذشته با خشم و انزجار عموم بازنشستگان رو برو گردیده است. فراخوان مذکور در واقع کنشی است از طرف تشکلهای مستقل بازنشستگی مختلف نسبت به رد لایحه همسان سازی. رد لایحه به معنی قطع بخشی از حقوق بازنشستگان در سال آینده است. قطع مبلغی از حقوق ناچیز بازنشستگان در شرایطی که تورم کالاهای خوراکی و اساسی به ۶۰ درصد رسیده است و همچنان قیمت‌ها همه روزه در حال افزایش اند و هزینه‌های دارویی و درمانی چند برابر شده‌اند، چیزی به غیر از محکوم کردن بازنشستگان به گرسنگی و بی دارویی نیست. بهمین جهت انتظار نمی رود که بازنشستگان در مقابل آن کوتاه بیایند

قبل از این نیز گروه‌های مختلف بازنشستگان که نگران رد لایحه همسان سازی و همچنین خواهان افزایش حقوق‌های بازنشستگی و رایگان شدن بیمه تکمیلی بودند هر یکشنبه بطور هم زمان در شهرهای مختلف تجمع می کردند. کمی پیشتر نیز آنان که از تشکلهای بازنشستگی دولتی بخاطر بی عملی و وابستگی



شان به حکومت رویگردان شده بودند شروع به تشکیل تشکلهای مستقل خاص خود کرده بودند. تعداد تشکلهای مستقل بازنشستگان هنوز مشخص نیست با این حال وجود ۳۰ تشکل که زیر فراخوان بازنشستگان را امضا کرده‌اند محرز است. هم اکنون بر اساس گزارشاتی که راجع به حقوق های بازنشستگان تامین اجتماعی منتشر شده میانگین حقوق آنان حول و حوش ۴ میلیون تومان است که حدود یک سوم خط فقر و نصف مبلغی است که این هفته در شورای عالی کار بعنوان هزینه حداقلی مطرح شده است. تکلیف اجرای این مبلغ هنوز البته روشن نیست و ممکن است دولت و کارفرمایان هم که خودشان می گویند حقوق ۴ میلیونی حقوق خط مرگ است با آن بعنوان حداقل دستمزد رای ندهند. در سال گذشته در حالی که هزینه سبد خانوار حدود ۷ میلیون در شورای عالی کار پذیرفته شده بود، در نهایت حداقل حقوق حدود دو میلیون ۷۰۰ هزار تومان اعلام شد. تشکلهای مستقل خط فقر را ۱۶ میلیون اعلام کرده‌اند. رقمی که حدود دو برابر تخمین شورای عالی کار است

در شرایطی که شاغلین هم به زحمت می توانند پس از بارها اعتصاب اندکی دستمزدهایشان را با کلی دردسر بالا ببرند، تقاضای بازنشستگان متأسفانه بخاطر اینکه نقشی در تولید و کارها ندارند، ضرری به کارفرما و دولت نمی رساند بسیار دشوار می نماید. منتهی در شرایط نارضایتی گسترده در جامعه حضور تعداد زیادی در تجمع های اعتراضی می تواند موثر به حال بازنشستگان واقع شود. چنانچه همکاران شاغل بازنشستگان سازمانیافته می بودند می توانستند با برپایی اعتصاب های حمایتی از همکاران بازنشسته شده شان امکان رسیدن آنان به خواسته هایشان را بالا ببرند. با این وجود شاغلان باید بدانند سرنوشت مشابهی در دوران بازنشستگی نیز در انتظار آنان است و لازم است در هنگام اعتصاب خواسته های همکاران بازنشسته شان را مطرح یا جداگانه با برگزاری اعتصاب حمایتی به یاری بازنشستگان بیایند. در کشورهای که حقوق اتحادیه‌ای به رسمیت شناخته شده اتحادیه های محل کار و رشته‌ای حقوق بازنشستگان را نیز پیگیری می کنند. باز نشستگان اتحادیه خاص بازنشستگی ندارند ولی کلپ برای خوش گذرانی و تفریحات مشترک دارند. به امید اینکه اعتراض سراسری بازنشستگان با حمایت سایر زحمت کشان مواجه شود و بازنشستگان بتوانند به خواسته هایشان برسند و بتوانند دوران بازنشستگی راحت تر را داشته باشند

در قسمتی از فراخوان که به امضای ۳۰ تشکل رسیده است خواسته‌های بازنشستگان به شرح ذیل مطرح شده‌اند:

یکشنبه می آیم تا منسجم و متحد فریاد برزیم مطالبات بر زمین مانده خود را

اجرای کامل همسانسازی -

عیدی دو برابر حقوق -

تعیین حقوق بر مبنای هزینه های واقعی خانوار و افزایش آن متناسب با نرخ تورم واقعی -
(مستمری از کارافتادگی و بازماندگان، نباید از حداقل مزد کارگر کمتر باشد) اجرای ماده ۱۱۱ -

بیمه جامع و کارآمد مطابق ماده ۵۴ قانون تامین اجتماعی -

پرداخت دیون ۴۰۰ هزار میلیارد تومانی دولت به صندوق تامین اجتماعی-

آزادی فوری و بی قید و شرط اسماعیل گرامی -

دولت باید به همه بیکاران حقوق بیکاری پرداخت کند!

ایجاد اشتغال برای بیکاران وظیفه دولت است!



گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته

جنگ کارگری



در این هفته و هفته گذشته دستگاه عدالت ستیز قضایی احکام جدیدی را برای چهارتن از فعالین تشکلهای کارگری صادر کرد و دوتن آنان را روانه زندان نمود. جعفر ابراهیمی به ۴ سال و نیم زندان محکوم شد، عسل محمدی به یک سال و ۸ ماه حبس و دوسال محرومیت در دسته جات سیاسی و اجتماعی محکوم شد.

نسرین جوادی، کارگر بازنشسته برای گذران محکومیت ۷ ساله احضار شد و علیه اقدام دوست که قبلاً ۹ سال از عمر خود را در زندان گذرانده است در سن ۶۹ سالگی در ۱۸ بهمن به وسیله پلیس امنیت فومن به اتهام تبلیغ علیه نظام بازداشت شد. هم چنین عزیز قاسم زاده یکی دیگر از فعالان صنفی معلمان در ۲۰ بهمن از طرف شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری ۲ شهرستان رودسر به اتهام ساختگی "تبلیغ علیه جمهوریسلامی" به دادگاه احضار شده است.

ادامه اعتراضات کارگران مخابرات اصفهان

اعتراض کارگران مخابرات اصفهان که از چند هفته پیش شروع شد به صورت برگزاری تجمع های اعتراضی مقابل شرکت مخابرات و فرمانداری اصفهان در این هفته نیز ادامه پیدا کرد. کارگران در ۱۸ بهمن بار دیگر برای پیگیری خواسته هایشان تجمع کردند.

علت این اعتراض جلوگیری از ورود عده ای از کارگران مطالبه گر به دلیل شکایت از شرکت به اداره کار بخاطر پرداخت نکردن به موقع مطالبات مزدی و امتناع شرکت از اجرای طبقه بندی مشاغل بوده است. با وجود غیر قانونی بودن اعمال شرکت و مراجعات چند



باره کارگران معترض به مسئولین نهادهای دولتی ذیربط نظیر فرمانداری و اداره کار، اما کارفرما با اخراج ۲ تن از کارگران مطالبه گر و جلوگیری از ورود عدهای دیگر به داخل شرکت تا کنون حاضر نشده به خواسته های کارگران تن در دهد. یعنی در واقع قدرت و نفوذ صاحب شرکت از فرماندار و اداره کار یا بیشتر است و یا دست همه شان در یک کاسه است. به نظر می رسد چاره کار از سر گیری اعتصاب کلیه کارگران شرکت باشد. این تنها راهی است که می تواند موثر واقع شود.

تجمع اعتراضی کارگران شهرداری کوت عبدالله

کارگران شهرداری کوت عبدالله در ۱۸ بهمن بار دیگر با برگزاری تجمع اعتراضی مقابل شهرداری خواستار پرداخت دستمزد و حق بیمه ۳ ماه گذشته خود شدند. گفتنی است که کارگران شهرداری کوت عبدالله حدود دو سال است که به علت پرداخت نکردن به موقع دستمزدهایشان هر از چند گاهی دست به اعتصاب و اعتراض می زنند. در این مدت حتی یک بار هم نشده که آنان بتوانند حقوق شان را بدون دردسر و توسل به اعتراض بگیرند.

ندادن به موقع دستمزد تقریباً به یک روال عادی درآمده است و هفتهای نیست که کارگران شهرداری ها در چند شهر به این خاطر دست به اعتراض زنند. در ۱۸ بهمن کارگران فضای سبز شهرداری یاسوج نیز همزمان با کارگران شهرداری کوت عبدالله به دلیل پرداخت نشدن منظم دستمزد شان طی ۱۰ ماه گذشته مقابل شورای شهر تجمع و خواستار پرداخت مطالبات پرداخت نشده خود شدند.

اخطار کارگران گروه ملی صنعت فولاد به مدیریت

کارگران شاغل در گروه ملی صنعت فولاد در ۱۸ بهمن با انتشار بیانیهای در مورد خواسته های خود به مدیریت گروه صنعتی فولاد اخطار داده و خواستار اجرای ۷ خواسته اصلی خود شدند. در این بیانیه که در اهواز منتشر شد، کارگران معترض خواستار: افزایش دستمزد و ارتقای سطح دستمزد، تامین شمش و مواد اولیه و رفع موانع تولید، تامین قطعات و تجهیزات برای تعمیرات، تغییر ساختار معیوب و نا کارآمد و پرداخت حق بدی آب و هوا و حق مربوط به مناطق جنگی و اضافه شدن آیتم کامل فوق العاده شغل به آیتم فیش حقوق شدند.

گفتنی است که تولید در تعدادی از کارخانه های فولاد ظاهر به علت کمبود برق و نداشتن مواد اولیه کافی و نیاز به قطعات تعطیل و یا با ظرفیت پائین کار می کنند. این امر هم موجب نگرانی کارگران و هم کارفرمایان بخش فولاد که درآمد های هنگفتی نیز تا کنون داشته اند شده است. بهمین جهت مخاطب بخشی از مطالبات مطروحه در بیانیه دولت است که به نظر می رسد قادر به تامین نیاز های صنعت فولاد نیست/ کارفرمایان صنعت فولاد نیز که تا کنون بابت سوبسید هایی که از دولت می گرفته اند، سود زیادی نصیب خود می کردند، نگران قطع و کاهش سوبسیدهای خود خاصه بابت برق و انرژی ارزان هستند. بلکه وقتی پای حذف سوبسید های واحد های فولاد به میان می آید، همه صاحبان آنها عصبانی و معترض می شوند، اما برای حذف سوبسید کالاهای اساسی مورد نیاز مردم هورا می کشند!

۱۳ روز اعتصاب و اعتراض کارگران پتروشیمی رازی نتیجه داد

سر انجام پس از ۱۳ روز اعتصاب و اعتراض کارگران در پتروشیمی رازی در ۱۷ بهمن کارفرما تسلیم شد و با خواسته کارگران که خواهان بازگرداندن همکاران مطالبه گر شان به سر کار بودند موافقت کرد و کارگرانی که بخاطر مطالبه گری از کار اخراج شده بودند به سر کار هایشان برگشتند و اعتراض کارگران پایان یافت. اگر ایستادگی و مبارزه کارگران نبود محال بود کارفرما با بازگشت کارگرانی که اخراج شده بود داوطلبانه موافقت کند.

اعتراض کارگران شهرداری شوش

کارگران شهرداری شوش در ۱۹ بهمن نسبت به پرداخت نکردن به موقع مطالبات مزدی شان اعتراض نموده و خواهان پرداخت مطالبات پرداخت نشده و پرداخت به موقع دستمزدهای شان شدند.

به گزارش خبرگزاری ایلنا کارگران بارها برای رسیدگی به وضعیت شان به مسئولین ذیربط مراجعه کرده اند ولی از مراجعت شان نتیجهای نگرفته اند. شهرداری نیز علت پرداخت نکردن دستمزدها را ندادن بدهی های شرکتها ی دولتی و خصوصی به شهرداری اعلام کرده است. با این اوصاف اگر شرکت های مربوطه بدهی هایشان به شهرداری را ندهند، معلوم نیست تا کی خانواده های کارگران باید بی معیشتی را تحمل کنند!

اعتراض خیابانی فرهنگیان مریوان به بازداشت شعبان محمدی



معلمان و فرهنگیان مریوان در پی بازداشت شعبان محمدی یکی از فعالین صنفی معلمان مریوان به دلیل شرکت در تجمع اعتراضی معلمان در این شهر در ۱۷ بهمن تجمع و خواستار آزادی این معلم و سایر معلمان و فعالان صنفی شدند. گفتنی است که بنا به گزارشی که در کانال تلگرامی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان منتشر شده است تعداد معلمان زندانی به ۱۵ رسیده است.

این بازداشتها و در زندان نگاه داشتن ها که همراه با تهدیدات آشکار و پنهان معلمان و پرونده سازی برای فعالین سندیکایی صورت می گیرد، به قصد ایجاد رعب و ترساندن معلمان از شرکت در اعتراضات مطالباتی حق طلبانه و قانونی است. در واقع آن کس که مستوجب مجازات است مسئولین دولتی و قضایی هستند که قانون خودشان را هم بر نمی تابند. در هر صورت اگر تهدید و ارعاب و زندان نتیجه داشت طبعاً نمی بایستی دامنه اعتراضات روز به روز گسترده تر شود و سراسر کشور را در نوردد. ادامه این رویه به انزجار از باتیان سرکوبها و گسترش و عمق یافتن بیشتر اعتراضات منجر خواهد شد.

اعتراض کارگران ترابری شرکت بهره برداری نفت و گاز

کارگران ترابری شرکت بهره برداری نفت و گاز زاگرس جنوبی در مناطق عملیاتی پارسین، آغار و دالان در این هفته نیز در اعتراض به خارج کردن شان از شمول طبقه بندی مشاغل و بیمه تکمیلی در ۱۶ بهمن دست به اعتراض زدند و خواهان برخوردی از حق طبقه بندی و بیمه تکمیلی شدند. گفتنی است که شرکتهای پیمانکاری با ترفندهای مختلف می کوشند از اجرای طبقه بندی مشاغل و بیمه کردن کارگران جمعی سر باز بزنند. این در حالی است که اجرای طبقه بندی و بیمه جز حق قانونی کارگر است. دعوا بر سر طبقه بندی و نحوه اجرای آن مدتهاست بین کارگران و صاحبان شرکتهای پیمانکاری جریان دارد و بندرت می شود شرکتی را یافت که این قانون در آنجا بطور صحیح و مطابق قانون اجرا شده باشد و کارگران از آن رضایت داشته باشند. اجرای طبقه بندی در شرکتهای پیمانکاری نیاز به اعتصاب وسیع کارگران این شرکتها و فراهم کردن امکانات آن دارد. در غیر این صورت محال است صاحبان این شرکتها که از حمایت تام و تمام نهادهای حکومتی بر خوردار هستند تن به اجرای قانون بدهند.

۳۰ تشکل مستقل بازنشستگی فراخوان اعتراض خیابانی دادند

۳۰ تشکل مستقل بازنشستگی با انتشار فراخوانی از بازنشستگان خواستند در اعتراض به رد لایحه همسان سازی حقوق ها توسط مجلس و امتناع دولت از دادن پاسخ مثبت به سایر خواسته های بازنشستگان و حقوق های زیر خط فقر روز یکشنبه ۲۴ بهمن به خیابان بیایند. اعلام رد لایحه همسان سازی در مجلس در هفته گذشته با خشم و انزجار عموم بازنشستگان رو برو گردیده است. فراخوان مذکور در واقع کنشی است از طرف تشکلهای مستقل بازنشستگی مختلف نسبت به رد لایحه همسان سازی.

در قسمتی از این فراخوان که به امضای ۳۰ تشکل رسیده است خواسته های بازنشستگان به شرح ذیل مطرح شده اند:

یکشنبه می آییم تا منسجم و متحد فریاد مطالبات بر زمین مانده خود را

اجرای کامل همسانسازی -

عیدی دو برابر حقوق -

تعیین حقوق بر مبنای هزینه های واقعی خانوار و افزایش آن متناسب با نرخ تورم واقعی -

(مستمری از کارافتدگی و بازماندگان، نباید از حداقل مزد کارگر کمتر باشد) اجرای ماده ۱۱۱ -

بیمه جامع و کارآمد مطابق ماده ۵۴ قانون تامین اجتماعی -

پرداخت دیون ۴۰۰ هزار میلیارد تومانی دولت به صندوق تامین اجتماعی-

آزادی فوری و بی قید و شرط اسماعیل گرامی -

اعتصاب کارگران سیمان سپاهان

کارگران کارخانه سیمان سپاهان در ۱۷ بهمن در اعتراض به توجه نشدن به مطالبات و مشکلات شان اعتصاب و در محوطه کارخانه تجمع کردند.

تجمع اعتراضی کارگران مخابرات در اصفهان



جمعی از کارکنان شرکتی مخابرات اصفهان که بواسطه شرکت در اعتراض مطالباتی ممنوع و ورود شده و اثر انگشت شان را پاک کرده بودند در ۱۸ بهمن خود را به محل جلسه ی مقامات دولتی و حکومتی که در اصفهان جریان داشت رسانده و نسبت به برخوردی که شرکت مخابرات با آنان کرده بود اعتراض و شکایت کرده و خواهان رسیدگی مقامات حکومتی شرکت کننده در جلسه برای بازگشت به کار شدند.

گزارشی از نتیجه این اعتراض هنوز منتشر نشده تا بتوان در مورد آن قضاوت کرد. با این حال نظر به سوابق قبلی بعید است که دخالتی به نفع خواسته کارگران توسط مقامات مذکور انجام گرفته باشد.

افزایش بگر و ببند فعالین کارگری و صنفی

در این هفته و هفته گذشته دستگاه عدالت ستیز قضایی احکام جدیدی را برای چهارتن از فعالین تشکلهای کارگری صادر کرد و دوتن آنان را روانه زندان نمود. جعفر ابراهیمی به ۴ سال و نیم زندان محکوم شد، عسل محمدی به یک سال و ۸ ماه حبس و دوسال محرومیت در دسته جات سیاسی و اجتماعی محکوم شد.

نسرین جوادی، کارگر بازنشسته برای گذران محکومیت ۷ ساله احضار شد و عالیه اقدام دوست که قبلا ۹ سال از عمر خود را در زندان گذرانده است در سن ۶۹ سالگی در ۱۸ بهمن به وسیله پلیس امنیت فومن به اتهام تبلیغ علیه نظام بازداشت شد. هم چنین عزیز قاسم زاده یکی دیگر از فعالان صنفی معلمان در ۲۰ بهمن از طرف شعبه ۱۰۳ دادگاه کیفری ۲ شهرستان رودسره اتهام ساختگی "تبلیغ علیه جمهوریاسلامی" به دادگاه احضار شده است.

ما صدور این احکام ظالمانه توسط بی دادگاه های عدالت و آزادی ستیز را که با اتهامات جعلی صورت گرفته محکوم و از همه آزادگان و عدالتخواهان تقاضا می کنیم نسبت به این جنایات رژیم ارتجاعی و قرون وسطایی اعتراض و برای لغو احکام جابرانه

از هیچ کوششی دریغ نورزند.

فراخوان شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان به تجمع اعتراضی

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان با انتشار فراخوانی از معلمان و فرهنگیان برای برگزاری تجمع اعتراضی در روزهای شنبه ۳۰ بهمن و سه شنبه ۳ اسفند دعوت کرده است.

...فراخوان شورای هماهنگی

تجمع سراسری معلمان ایران .

شنبه ، ۳۰ بهمن و سه شنبه، ۳ اسفند

همانگونه که می دانید هیچ یک از مطالبات ما تاکنون محقق نشده است و ما بر پای عهد خود با فرهنگیان ایستاده ایم.

وعده های پوشالی در عزم و اراده ما خللی ایجاد نخواهد کرد و تا مطالبات بازنشستگان و شاغلان محقق نگردد. ضمن توجه به سایر اشکال پیگیری مطالبات، ما به اعتراضات خود ادامه می دهیم.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران

از مبارزه کارگران و مزد و حقوق بگیران برای ایجاد سندیکا و تشکلهای مستقل کارگری حمایت کنیم!

متحدانه برای آزادی کارگران، معلمان و زندانیان مدنی و سیاسی مبارزه کنیم!

متحدانه علیه سیاست فقر و فلاکت آور شوک درمانی و آزاد سازی قیمتها مبارزه کنیم!



تجمع بازنشستگان کرمانشاه در اعتراض به رد لایحه همسان سازی ۲۴ بهمن



تظاهرات خیابانی کارگران فولاد اهواز در اعتراض به پامال سازی حقوق شان و دستمزدهای زیر خط فقر



حمایت سندیکای کارگران هفت تپه از وکیل شجاع و متعهد کارگران کارخانه فرزانه ژیلایی

***برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

***"جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را**

می توانید در آدرس زیر ببینید:

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>